

شرق روزنامه

آونگ

یادداشت‌هایی درباره هنر معاصر خاموش می‌خواهمت



علیرضا امیرحاجبی

هویت‌های انسانی در جهان معاصر تبدیل به مجموعه‌ای از اطلاعات شده‌اند. سریالی از اعداد و نام‌ها که روی صفحه‌ای قابل‌لمس را در ذخیره‌ها یک رایانه مخفی می‌شود تا روزی مورداستفاده قرار گیرد. گاه فراموش می‌شوند و گاه به آنها توجه می‌شود و مخاطبی می‌یابند. هنر نیز از این چرخه خارج نیست، حجم عظیمی از اطلاعات هنری به‌طور ساعتی و روزانه در حال تولید است. رسانه‌ها، بنگاه‌های خرید و فروش آثار هنری، ناشران، نهادهای آموزشی و سایر دست‌اندرکاران این عرصه هر لحظه به این حجم و توده متورم می‌افزایند. گویی آنچه در تبادل است، نه مقولات هنری بلکه همان اطلاعاتی است که دست به دست می‌چرخد و تولید گرما می‌کند. این گرما چیزی نیست جز پول، پول بسیار.

اطلاعات درباره یک اثر هنری است که آن را تبدیل به اثر می‌کند. نامی در کنار اثر، سوابق هنرمند سازنده اثر، موفقیت‌های قبلی او، بروشورها، پوسترها وب‌سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی، حاملان آن اطلاعاتی هستند که شاکله اثر را می‌سازند. مفهوم یا ویژگی‌های زیباشناختی اثر در درجه دوم اهمیت قرار دارد. هنرمند به‌واسطه اطلاعاتی که از او به جای مانده، هویت می‌یابد و نه بر مبنای اثری که خلق کرده است. به همین دلیل است که بسیاری از هنرمندان سعی می‌کنند هرچه‌بیشتر با ارباب جراید و رسانه‌ها در ارتباط باشند تا اطلاعات بیشتری درباره آنها تولید شود.

بخشی از عرصه فیزیکی هنر در حال حذف‌شدن است. حذف، کلمه مناسبی نیست؛ بهتر است بگوییم در حال انتقال به بخش دیگری است؛ فضای مجازی. حال وظیفه معرفی بسیاری از هنرمندان به وب‌سایت‌ها محول شده و گالری‌ها رده دو و سه کم‌کارت می‌شوند. تعدادشان افزایش یافته اما کار زیادی انجام نمی‌دهند. تنها یک نام هستند. نامی با چرغی نیمه‌روشن. کاره چرخ این گالری‌ها روشن است اما اشتباه نکنید؛ مسئولان

گالری فراموش کرده‌اند موقع رفتن چراغ را خاموش کنند.

تمام اینها عنوان شد تا نوعی تقسیم‌بندی هم برسیم. تقسیمی که سوززهای را در مرکز قرار می‌دهد و حاشیه و قابی نیز در اطراف آن کشیده شده است. این بستر و زمینه دارای قاب‌های چندگانه‌ای است که هیچ‌کس از آنها سخنی به میان نمی‌آورد. گویا از ابتدا بوده‌اند و خواهند بود. چه گالری‌داران و چه موزه‌ها روزانه با براساس نیاز خود به گروهی از متخصصان نیازمند هستند که به اشکال مختلف به ارائه آثار هنری باری می‌رسانند؛ کارشناسانی که شاید هنوز نامی برایشان در فرهنگ لغات هنر فارسی پیدا نشده است. آنان هنرمند باشند یا باید یا هنر آشنا باشند. در رده‌بندی‌های اداری موزه‌ها به آنها مسئولان خدمات نمایشگاهی گفته می‌شود. به چنین حرفه‌هایی در فرهنگ اصطلاحات انگلیسی shipping/handling/ packing Fine Art گفته می‌شود.

بسته‌بندی، حمل‌ونقل، بارکدزن، نصب و دوباره بسته‌بندی و… که پروسه‌ای است بسیار طاقت‌فرسا، پر از هیجان و فشار روحی و روانی. سوالات متعددی در زمینه این حرفه به وجود می‌آید. ازجمله اینکه چه تفاوت‌هایی بین بسته‌بندی‌کردن یک تابلو نقاشی با یک مجسمه یا یک چیدمان وجود دارد؟ آیا قدمت و شکل ظاهری با ابعاد یک تابلو در نوع بسته‌بندی آن تأثیری دارد؟ مجسمه‌های الکساندر کالدر چگونه بسته‌بندی از یک طرف دنیا به سوی دیگر دنیا می‌رود بدون آنکه کوچک‌ترین آسیبی به هنر و نوع ساخت بسته‌ها چگونه است؟ وقتی درباره انتقال اثری از بین مرز صحت می‌شود، یک کارشناس حرفه‌ای بسته‌بندی به‌خوبی می‌داند آثار مور اکثرا از جنس برنز، بزرگ و بسیار سنگین هستند. او تجسم می‌کند، حتی اگر تا قبل از آن، اثر را ندیده باشد. این تجسم به وی کمک می‌کند آماده یک رویارویی با نوعی چالش شود. این پرسش‌ها نشان می‌دهد که تخصص در زمینه بسته‌بندی و حمل‌ونقل آثار هنری تنها یک فعالیت صنعتی نیست بلکه الزامی است که کارشناس بسته‌بندی به انواع و اقسام سبک‌های هنری آشنا باشد.

بخش دیگری از این داستان پیچیده وابسته به بیمه، حمل‌ونقل، ترخیص و امور گمرکی است که به دلیل روند بوروکراتیک جهانی، کار را طاقت‌فرست‌تر می‌کند. در جهان، شرکت‌های معتبری در زمینه بسته‌بندی و ارسال، ترخیص و آماده‌سازی آثار هنری مشغول به کار هستند که هرکدام با روشی مختص خود و بر مبنای دانش عملی‌شان کار می‌کنند. از ژاپن و کره‌یونانی گرفته تا آلمان، هلند، فرانسه و بریتانیا. تا آنجا که می‌دانم در ایران تنها شرکت EB Fine art در این زمینه فعالیت می‌کند و اکثر آثار هنری ارسال و ترخیصی ایران توسط همین شرکت انجام می‌شود. عدم حضور مؤثر سایر متخصصان این رشته (اگر داشته باشیم) نشان‌دهنده نوعی فقر و ناآگاهی از اهمیت این حرفه بسیار مهم است، حرفه‌ای که در چرخه هنر معاصر نقش حیاتی ایفا می‌کند اما دیده نمی‌شود.

طلای آبی

ابتکار در نمایشگاه «طلای آبی»

نمایشگاه «طلای آبی» در حالی روز جمعه سوم اردیبهشت در گالری شماره یک و دو اعتماد افتتاح شد که از همان ساعت آغازین، شاهد استقبال گسترده هنرمندان، مجموعه‌داران، فعالان محیط زیست و دیگر اقشار مردم بود. معصومه ابتکار، رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست ازجمله حاضران افتتاحیه بود که از ابتدای بازگشایی نمایشگاه به بازدید آثار و با هنرمندان حاضر به گپ‌وگفت پرداخت. ابتکار که به همراه مادر خود و مهدی توحیدپور (دبیر اجرایی جشنواره بین‌المللی فیلم سبز) به گالری تا اعتماد آمده بود، ضمن گفت‌وگو با لیلا وارسته و ویدا زعیم، کوریوتورهای نمایشگاه، اقدام هنرمندان را در نمایش ترازوی کم‌آبی در ایران ستود. وی همچنین از دبیر اجرایی جشنواره سبز خواست آثار نمایشگاه «طلای آبی» در بخش تجسمی جشنواره فیلم سبز استفاده شود. این نمایشگاه امروز سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت به نشانی: نیاوران، میدان یاسر، خیابان یاسر، خیابان صادقی قمی، خیابان بوکان، دوراهی سمت راست، پلاک ۳ میزبان عموم است.

موج خشک



کریستف رضاعی

چیدمان صوتی که در طبقه پایین نمایشگاه «طلای آبی» در فضا پخش می‌شود چهار منبع صوتی مختلف دارد به نام «موج خشک». موج معمولا به آب ربط دارد ولی در این کار با کلمه «موج» بازی شده؛ ضمن اینکه صدا شبیه موج و زندگی است و جریان دارد، چون به‌رحال نمایشگاه در مورد کمبود آب است. این قسمت خشکی، به سکوت ربط دارد، حالا هر سکوتی می‌تواند تصویر خود را داشته باشد اما در این مجموعه سکوت به خشکی ربط دارد، یا صدای باد و شن. این یک بازی است بین صدای آب و قطره رودخانه، صدای پرند هم هست که آب و زندگی را ایجاد می‌کند. در اینجا بازی بین استاتیک و زیبایی صدای آب هم است. یک جا موسیقی می‌آید و می‌رود که کاملاً در تضاد است با صداهایی که می‌شنوید. هرکدام از منابع صوتی هم مختلفند و تنها ارتباطشان به هم در این است که در مورد آب هستند.

گوشه چشمی به موندریان



بریت (Breyte) هنرمند گر افیتی

پیت موندریان نقاشی‌های معروفی دارد که با قرمز و آبی و زرد کار شده‌اند. در اثری که «اشک» نام دارد، با گذاشتن رنگ‌های زرد و آبی و قرمز می‌خواستم گوشه چشمی به موندریان داشته باشم. استایل کارهایم گرافیتی است و در برخی موارد هم با نئون کار کرده‌ام. اما در اثری که به نمایشگاه «طلای آبی» دادم از نئون استفاده نکردم. به‌جرت می‌گویم که کارهای گرافیتی ایران از نمونه‌های اروپایی عقب‌تر نیستند. کار گرافیتی در ایران مثل نیویورک و لس آنجلس است. سال گذشته از طریق اینستاکرام نمایشگاه متوجه فراخوان شدم. به نظر نمایشگاه خوبی است و ایده‌های عالی‌ای در آن به چشم می‌خورد. در خارج از ایران گالری‌های معروف اروپا از جمله گالوسیان و پروتن استقبال خوبی از این کارها می‌کنند. خوش‌حالم که جوانان ایرانی این‌قدر ایده دارند و جلو آمده‌اند.

۳۰ ثانیه تا آخرین تصویر



آرمین امیریان عکاس

عکاسی را خودآموخته کار کرده‌ام. البته مطالعاتی در زمینه هنر داشتم اما آنچه در عکس‌هایم دیده می‌شود حاصل زندگی و گردش من در اجتماع است. اثرم در نمایشگاه طلای آبی، «ژلوفن» نام دارد و درباره طبیعت و روند نابودی آن است و اینکه نسل بعد چیزی جز تصویر نقاب‌دارند. روزنه‌های امیدی که مثل بوم سیر خودمان می‌کنیم تنها گریزگاهمان است. بشکه‌های این اثر، نقاب‌لر روپا واقعیت را نشان می‌دهند. یعنی فناوری نوپایی که فکر می‌کنیم ما را بالا می‌برد، درحالی‌که مسبب اصلی زمین‌خوردنمان است. این دو عنصر با آسمانی که حمل می‌کنیم و بشکه‌های سمت راست تصویر تقابل دارند؛ در پس‌زمینه‌ای از زمین بکر و کماکان زباله‌دار و پرگردوغبار و قرینه‌ای از طبیعت مه‌آلود. این تصویر را بین اتوبان اصفهان تهران پیدا کردم. عکس کاملاً واقعی است. آماده‌سازی آن خیلی زمان برد، ولی تنها ۳۰ ثانیه فرصت داشتم که این تصویر را ثبت کنم!

گفت‌وگو با ویدا زعیم و لیلا وارسته درباره نمایشگاه «طلای آبی»

اشک‌های زمین



ژلوفن: عکاسی صفحه‌آر آبی شده، اثر آرمین امیریان

زعیم: در نمایشگاه «طلای سیاه» هنرمندان معروف‌تر شرکت داشتند

اما در فاصله یک ماه مانده به آن، آن‌قدر از همه‌جا برایمان کار فرستادند که احساس کردم حیف است خودمان دنبال هنرمندان برویم چون بهترین کارها به دستمان می‌رسید و البته دلمان می‌خواست هنرمندان بنام هم شرکت کنند. در نمایشگاه «آب» خیلی از هنرمندان مطرح برای ارائه اثر ابراز علاقه کردند اما گفتند شاید نتوانند به طور مشخص در موضوع «آب» کاری ارائه کنند. اما جوانان کمترشناخته‌شده از همه‌جای ایران کارهایشان را فرستادند. تعداد آثار خیلی زیاد بود و انتخاب کارها، دشوار.

انتخاب کارها برعهده شما و خانم وارسته بود؟

زعیم: بله، اما مثل همیشه چون کارها خیلی زیاد بود و می‌خواستیم همه را نمایش دهیم، گالری اعتماد سایتی را در اختیارمان گذاشت تا بتوانیم تعدادی از آثار را که قابل نمایش‌دادن در گالری نیستند، در سایت به نمایش بگذاریم.

کارهای موجود در نمایشگاه از نظر هنری سطح بالاتری دارند؟

زعیم: خیر، هیچ رجحانی بر آثار موجود در سایت ندارد. شاید کسی که شناخته‌شده‌تر است، کارش در گالری باشد ولی این به آن معنا نیست که آثار سایت کم‌ارزش باشند.

معیارهایتان در چنین نمایشگاهی برای انتخاب کارها چه بود؟

وارسته: حضور هنرمندانی مانند آیدین آغداشلو، مهرداد محبیعی، ملکه ناییبی و… اهمیت سمبولیک داشت. آقای شیشه‌گران هم که همیشه در نمایشگاه‌های ما شرکت می‌کنند، در نمایشگاه «طلای آبی» کارشان هنوز تمام نشده بود که در کاتالوگ بیاوریم.

فراخوان این نمایشگاه ظاهراً خیلی متفاوت بود، چون مهلت تعیین کرده بودید…

وارسته: بله، همان ابتدا با گالری اعتماد صحبت کرده بودیم زمان مناسبی بدهیم تا هنرمندان راحت‌تر بتوانند کارشان را انجام دهند.

منظورم این است که فراخوان این‌بار حالت مسابقه و رقابتی داشت…

وارسته: به‌هر حال هر بار تجربه‌ها بیشتر می‌شود. احساس کردم باید زمان بیشتری بدهیم چون در مورد نمایشگاه «نفت» هم با اینکه درست کار کردیم اما وقت کم بود و تعدادی از هنرمندان فرصت نکردند اثر بدهند. نمایشگاه «صلح» که فوق‌العاده بود و در حد بین‌المللی برگزار شد. مردم از سوزّه نفت خیلی خوششان آمد. زمانی که بنده و خانم زعیم در گالری نبودیم، از طرف وزارت نفت آمده بودند و ظاهر معاون وزیر نفت از کارها دیدن کرده بودند.

نقدهایی به دو نمایشگاه قبلی و همین‌طور به این نمایشگاه صورت گرفته است. در خاطرم هست درباره نمایشگاه «طلای سیاه» به این اشاره شده بود که بیشتر کارها رفتار دم‌دستی‌ترین عناصر مربوط به نفت هستند و به زوایای پنهان اما ملموس‌تر پدیده نفت پرداخته نشده است. آیا اطلاعی از این نقدها دارید؟

زعیم: کم‌وبیش. اتفاق خوبی است که درباره کارها صحبت شود چون همیشه نمی‌توان از کارهای خیلی قوی برای یک نمایشگاه بزرگ استفاده کرد. اگر معتقد هستیم می‌خواهیم چیزی را مطرح کنیم و تمام هنرمندان اجازه شرکت نداشته باشند، باید به هنرمندی که حتی دانشگاه هنر هم نرفته و سن کمی دارد، به اندازه کسی که سال‌هاست در این حوزه فعالیت می‌کند، شانس شرکت داد.

طبق گفته منتقدان هر کار ضعیفی ممکن است در این نمایشگاه‌های موضوعی نشان داده شود…

زعیم: بله، اما ما در مورد موضوعی صحبت می‌کردیم که همه می‌خواستند در آن شرکت کنند. «طلای سیاه» اگر یک تعریف برای خودش دارد، نباید فقط از دید هنری به آن نگاه کرد.

یعنی هنر باید به کنش جمعی تبدیل شود؟

زعیم: بله، اجتماعی - هنری و فراتر از نمایشگاه باشد.

زا در موضوع آب به اسامی تعدادی از هنرمندان مطرح اشاره کردید. اما عده زیادی هم غایب‌اند. در نمایشگاه نفت و صلح، تعداد هنرمندان مطرح بیشتر بود. چرا در نمایشگاه طلای آبی این اتفاق نیفتاد؟

زعیم: همیشه عده‌ای به‌ خاطر تعدادی از نام‌ها به نمایشگاه می‌آیند.



لیلا وارسته در سمت راست در کنار ویدا زعیم

نیم‌ا توسلی: تهران این روزها میزبان نمایشگاهی گروهی با موضوع «آب» است. لیلا وارسته و ویدا زعیم، بعد از برپایی نمایشگاه‌هایی گروهی با موضوع صلح و طلای سیاه (نفت)، این روزها نمایشگاهی دیگر با محوریت «آب» با نام «طلای آبی» در گالری اعتماد برپا کرده‌اند؛ نمایشگاهی که با برگزاری آن، سه‌گانه هنر ایران با محوریت سه سوزّه مهم صلح، نفت و آب کامل شد. این نمایشگاه جمعه سوم اردیبهشت افتتاح شد و تا ۲۱ اردیبهشت ادامه دارد. در این نمایشگاه آثار ۷۳ هنرمند به تماشا گذاشته شد و به دلیل استقبال بالایی که از این رویداد شده، آثار ۴۲ هنرمند دیگر نیز در سایت گالری اعتماد به نمایش گذاشته شده. ویژگی مهم این نمایشگاه حضور بر تعداد نقاشان جوان است؛ ضمن آنکه محسن وزیری‌مقدم، آیدین آغداشلو، مارتین ورتمان، علی فرامرزی، کریستف رضاعی، خسرو حسن‌زاده، مهرداد محبیعی، امیرحسین حشمتی و فرساد لباف هم ازجمله هنرمندان حاضر در این نمایشگاه هستند. ویدا زعیم و لیلا وارسته نمایشگاه‌گردانان این نمایشگاه هستند. زعیم متولد تهران و اصالتاً کاشانی است. خشک‌شدن قنات‌ها و چاه‌های این شهر کابوشش شده و نمایشگاه «طلای آبی» را پاسخی به بحران خشک‌سالی در ایران می‌داند. او که در تهران بزرگ شده دوره دبیرستان و دانشگاه را در فرانسه گذرانده و دو سال آخر را هم مقیم آمریکا بوده. لیلا وارسته هم متولد تهران است و در رشته مدیریت روابط بین‌الملل درس خوانده. تخصصش مارکتینگ است. در رشته هنر تحصیل نکرده اما با هنر بزرگ شده. با این دو نمایشگاه‌گردان در روزهای برپایی نمایشگاه «طلای آبی» در تهران گفت‌وگو کردیم:

نمایشگاه «طلای آبی» تکمیل‌کننده سه‌گانه‌ای بود که با نمایشگاه «صلح» آغاز شد و با «نفت» ادامه یافت. چه شد به آب پرداختید؟

لیلا وارسته: ایده نمایشگاه «طلای آبی» اولین‌بار از سوی مادرم مطرح شد. با توجه به حیاتی‌بودن آب، مادرم پیشنهاد کردند نمایشگاهی با این موضوع برگزار شود تا هنرمندان از زوایای مختلف به بحران کم‌آبی و اهمیت آب بپردازند. البته ایده دو نمایشگاه «نفت» (طلای سیاه) و «صلح» نیز برای اولین‌بار از سوی ایشان مطرح شد. از ابتدا، برپایی هر سه نمایشگاه مدنظرمان نبود. زمانی که نمایشگاه «صلح» تمام شد، آن‌قدر استقبال مردم زیاد بود که احساس کردم فقط جنبه هنری نداشته و جنبه ملی آن هم مطرح بوده. از آن زمان فکر کردیم دنبال سوزه‌هایی برویم که این حس خوب را به ما بدهند.

ویدا زعیم: دلیل انتخاب موضوع «آب» بحران نگران‌کننده کره زمین است که هر روز رو به گرم‌ترشدن بیشتری ورود و در همه دنیا مهم است. خانم وارسته از فرانسه با من تماس گرفتند و گفتند با مادرم درباره بحران آب صحبت کرده‌ام و اینکه باید به‌عنوان یک ایرانی کاری در این زمینه بکنیم. بعد از آن تصمیم به برپایی نمایشگاه «طلای آبی» گرفتیم تا این بحران را به هم‌وطنان‌مان یادآوری کنیم. درواقع به همان اندازه که نفت حیاتی است آب هم اهمیت دارد و برای زنده‌بودن به آن نیازمندیم. از طرف دیگر نبودش می‌تواند نگران‌کننده باشد به همین دلیل ۹ ماه قبل از طرف گالری اعتماد فراخوانی دادیم که هرکس مایل است در این نمایشگاه شرکت کند.

زا با توجه به اینکه آثار هنری‌ای که براساس این سوزه‌ها انتخاب می‌شوند معمولاً جنبه تزئینی ندارد و به تبع آن، خریدار کمتری برایشان پیدا می‌شود. چطور ریسک برگزاری چنین نمایشگاهی را کردید؟

وارسته: این هم یک انتخاب است. برای ما ابعاد ملی این کار مهم‌تر بود. می‌خواستیم نمایشگاهی برگزار کنیم که از خودمان راضی باشیم. در کشوری مانند ایران که در حال تغییر و تحولات مختلف است، این سوزه‌ها اهمیت دارد. درباره این سوزه‌ها زیاد صحبت می‌شود اما وقتی با چشم دیده شوند فرق دارد. درکل کارهای هنری وقتی در حد ویزوال دیده شود تأثیرش بر مردم خیلی بیشتر است.

نگران این نبودید که شاید کارها مورد استقبال قرار نگیرد؟

وارسته: وقتی چنین سوزه‌هایی انتخاب می‌شود باید به همه چیز را به تمان بمالیم؛ باید به این فکر کنیم که کارمان پیام و محتوایی ملی دارد و نباید به مقاصد دیگر فکر کنیم. باید چنین ریسک‌هایی را در چنین نمایشگاهی قبول کنیم.

زا در نمایشگاه «طلای آبی» به طور مشخص بی‌آبی‌ها و خشک‌سالی‌های ایران مدنظرتان بود؟

وارسته: بله، اما مانند نفت ماده‌ای است که مردم باید قدرش را بدانند. چون آب از همه چیز مهم‌تر است؛ آب یعنی حیات.

زا بارندگی‌های اخیر در همدی که شما به دنبالش بودید، خللی ایجاد نکرد؟

وارسته: اصلاً. البته خدا را شکر می‌کنیم که بارندگی‌ها بیشتر شود اما به نظر مشکل ایران فراتر از اینهاست. همان‌طور که در روزهای گذشته رئیس مرکز ملی خشک‌سالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی خبر داده، بحران خشک‌سالی انباشته کشور - با بارش‌های مقطعی رفع نخواهد شد. با اینکه بارش‌های اخیر کشور تسکین‌دهنده بوده، ولی وضعیت آب‌های زیرزمینی با بارش‌های کوتاه‌مدت بهبود نمی‌یابد.

زا گفتید برای نمایشگاه «آب» فراخوان دادید. برای دو نمایشگاه قبلی هم فراخوان داده بودید؟

وارسته: بله، برای هر سه نمایشگاه فراخوان دادیم.

زا به چه شکل؟

وارسته: ما تمایل داریم همه آثار را انتخاب کنیم و فقط جنبه هنری را در نظر بگیریم. اما همیشه فضا محدود است و مجبور به انتخاب هستیم.

زا آثار هنرمندان شناخته‌شده‌تر هم در فراخوان انتخاب شد؟